

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۱۹
جمعه ۱۸ فروردین ۱۴۰۲، ۷ آوریل ۲۰۲۳

دوره گذار: تعابیر و واقعیات



خاکریز حجاب سقوط کرده است

کاظم نیکخواه
صفحه ۳

بخشش و یا تایید جنایات رژیم!

حسن صالحی
صفحه ۶

درباره لغو مجازات اعدام در مالزی

کمیته بین المللی علیه اعدام
صفحه ۱۲

جنگی بی امان بر سر حجاب

حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۱۲

آدرس محل برگزاری نشست اول لاهه:

با نمایندگان احزاب، گرایش‌های سیاسی و LGBTQ+ با موضوع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و آینده سیاسی در ایران طی نشست در هلند به گفتگو می‌نشینیم.

از همگان دعوت بعمل می‌آوریم ضمن حضور فعال خود در این پنل، راه رسیدن به پیروزی انقلاب جاری را مورد بحث و گفتگو قرار دهیم.
آدرس:

De Haagse Hogeschool, Johanna Westerdijkplein 75, 2521 EN

Den Haag

Ovaal 61 اسم سالن

#زن زندگیازادی

#جمهوریاسلامینابودبایدگردد

#مهسا_امینی

#womanlifefreedom

#mahsaamini

اطلاعیه ها، گزارش تصویری آکسیونهای

حزب کمونیست کارگری ایران

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید **حسن صالحی**: کلید واژه "گذار" در شرایط سیاسی ایران و با نزدیک شدن پایان عمر جمهوری اسلامی زیاد شنیده و تکرار میشود. در این رابطه جلسات و سمینارهای متعددی تاکنون برگزار شده است. شورای گذار درست کرده اند، از گذار از جمهوری اسلامی صحبت میکنند، از گذار به دموکراسی صحبت میشود، از گذار از مسالمت آمیز سخن به میان می‌آید. گذار از جمهوری اسلامی با چه برنامه ای و طبق چه الگویی باید صورت بگیرد؟ اگر از الگوی مناسب برای گذار تبعیت نشود آیا امکان استقرار دوباره استبداد و یا بروز جنگ داخلی وجود دارد؟ اینها موضوعاتی هستند که در برنامه این هفته پاسخ با حمید تقوایی در میان می‌گذاریم.

حمید تقوایی، از ابتدای انقلاب جاری بحث دوران گذار بخصوص میان نیروهای اپوزیسیون راست خیلی مطرح بوده است. آیا بنظر شما بعد از جمهوری اسلامی چنین دوره ای خواهیم داشت؟

حمید تقوایی: مستقل از اینکه نیروهای اپوزیسیون راست در رابطه با دوران گذار چه میگویند و چه تعابیری دارند - که این را بعدا صحبت خواهیم کرد- بعد از سرنگونی رژیم چنین دوره ای خواهیم داشت. کلا بعد از پیروزی هر انقلابی نظم موجود درهم میریزد و شرایط ویژه ای ایجاد میشود که میتوان آنرا دوره گذار نامید. روشن است که بعد از سرنگونی دیگر قوانین، مسئولین، نهادهای حاکم و کلا روابط و مناسباتی که بین طبقات حاکم و مردم برقرار بوده است برچیده میشود و همه چیز، اعم از قوانین، دولت، مسئولین، مقامات و غیره، باید از نو و مجددا تعریف و تثبیت بشود. بعبارت دیگر بعد از سرنگونی جامعه با خلاء قدرت مواجه میشود و دوره گذار، دوره ای است که باید این خلا را پر کرد. چه نیروهایی با چه مکانیسمی این کار را میکنند، این بحث دیگری است ولی بطور عینی و ابژکتیو هر انقلابی چنین دوره ای را در پی خواهد داشت.

ادامه در صفحه ۲

دوره گذار: تعبیر و واقعیات
ادامه از صفحه ۱



حسن صالحی: ویژگی های این دوره چه هست، چه رابطه ای با روند انقلاب و شرایط ما قبل سرنگونی دارد؟ آیا میتوانیم اینطور تقسیم بندی کنیم که دوره گذار، دوره ای است که هنوز چیزی ثبات پیدا نکرده و قدرت سیاسی تعیین تکلیف نشده؟

حمید تقوایی: بله دقیقا همینطور است و من هم همین را تاکید کردم. منتها باید توجه داشت که ما از تعیین تکلیف قدرت سیاسی بعد از یک انقلاب صحبت میکنیم. ممکن است در اثر کودتا و یا جنگ و یا بحرانهای اقتصادی هم دولتها کنار زده شوند. یا بر اثر یک بحران سیاسی و اجتماعی دولتی استغفا بدهد و یا حتی در شرایطی بخواهند قانون اساسی را دوباره به رای بگذارند. این در تاریخ کشورها پیش می آید، اما دوره بعد از انقلاب از همه اینها متفاوت است. دوره گذار دوره خلاء قدرت برای طبقه حاکمه است ولی قدرت جدیدی سر بلند کرده است: قدرت توده مردم. مردم انقلابی بعد از سرنگونی به خانه نمیروند، آنها تازه قدرت خودشان را شناخته اند، تازه توانسته اند در سرنوشت سیاسی جامعه نقش ایفا کنند و اعتماد به نفس پیدا کرده اند. انقلاب بنا به تعریف یعنی نفی اتوریته بالائی ها. مردم خواستها و مطالباتی را در دوره انقلاب مطرح کرده اند که میخواهند متحقق بشود ولی دیگر به بالائی ها، به قدرت مافوق خود، اعتمادی ندارند و به آنها توکل نمیکنند. نمیخواهند همان مقامات و سیاستمداران حرفه ای حال با ظاهر دیگری و یا با اسم دیگری به سر کار بیایند. انقلاب مردم را در رابطه کاملا تازه ای با قدرت سیاسی قرار میدهد.

در انقلاب ۵۷ ما شاهد بودیم که بعد از سرنگونی همه جا شوراها شکل گرفت، در کارخانه ها، در دانشگاهها، در مدارس و ادارات و بسیاری از مراکز. هیچکس در آن دوره آزادی و دموکراسی را با پارلمان و مجلس و غیره تداعی نمیکرد.

اصلا صحبتی از اینها در میان نبود. مردم خواهان دخالت شوراها در همه امور بودند و این یک معضل مهم جمهوری اسلامی بود. اشغال سفارت آمریکا و بعد جنگ ایران و عراق بهانه ای شد و فضایی ایجاد کرد که جمهوری اسلامی بتواند به شوراها بتازد و مردم را سرکوب کند.

این تجربه نشان میدهد که انقلاب در واقع یک نیروی جدیدی به صحنه می آورد که از جانب هر حزب و نهادی که بخواهد دولت تشکیل بدهد نمیتواند نادیده گرفته شود. بنابراین در عین اینکه از خلاء قدرت بعد از سرنگونی صحبت میکنیم باید تاکید کنیم که قدرت جدیدی هم در میدان است؛ قدرت مردم به پا خاسته ای که برای تحقق توقعات و انتظارات برحق و انسانی که در انقلاب پرچمش را بلند کرده اند همچنان در میدان هستند.

دوره گذار از نظر ما، و هر حزب انقلابی که میخواهد واقعا مردم آزاد ورها بشوند، دوره ای است که باید قدرت مردم شکل یک قدرت تثبیت شده و حکومتی بخودش بگیرد و مردم مستقیما همه امور مربوط به اداره جامعه را در دست بگیرند. آنچه در برنامه حزب بعنوان حکومت شورائی مطرح شده. بعد از پیروزی انقلاب، برخلاف خواست و هدف نیروهای اپوزیسیون راست، نه تنها نباید مردم را به خانه فرستاد، بلکه باید مردم را در تشکلهای نوع شورائی سازماندهی کرد تا بتوانند

حمید تقوایی: اینها جنبه های صرفا قانونی و حقوقی دوره گذار است. حتما باید اسم حکومت یا نظام و قانون اساسی تعیین بشود ولی اساس و جوهر مساله این نیست. برخی از نیروهای راست گذار از جمهوری اسلامی را بعنوان آلترناتیو سرنگونی بقدرت قیام مردم مطرح میکنند که کلا پوچ و غیر واقعی است. بحث واقعی بر سر شرایطی است که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب ایجاد میشود. برخی هم این تلقی را بدست میدهند که گویا با فراندوم و با قانون اساسی و غیره مساله حل و فصل میشود. این هم واقعی نیست و صرفا به شکل اداری و حقوقی دست بدست شدن قدرت میپردازد.

فاکتور مهم در واقع اتوریته احزاب و جنبشها است. بحث واقعی این است که چه احزاب و نیروهای سیاسی با چه درجه اتوریته و نفوذ و موقعیت اجتماعی در صحنه هستند. اگر جمهوری اسلامی با قدرت انقلاب سرنگون شده است و مردم اعتصاب کرده اند، تظاهرات کرده اند و بالاخره قیام کرده اند و این حکومت را بزیر کشیده اند، در این روند بالاخره نیروهایی در جامعه اعتبار کسب کرده اند و اعتماد مردم را بدست آورده اند. این نیروها بنا به قدرت و اعتبار و درجه نفوذشان در جامعه در شرایط دوره گذار نقش تعیین کننده ای خواهند داشت. میخواهم بگویم اینطور نیست که با سرنگونی جمهوری اسلامی همه احزاب و نیروهای سیاسی و جنبش های سیاسی در موقعیت یکسانی قرار دارند و مثل یک مسابقه دو صد متر هم تراز هم ایستاده اند تا با سوت سقوط حکومت مسابقه برای تثبیت خودشان و تشکیل قانون اساسی و دولت مطلوبشان را شروع کنند. بطور واقعی احزاب و نیروهای سیاسی بر حسب سابقه و عملکردشان بویژه در دوره انقلاب جایگاه و وزن متفاوتی در دوره گذار خواهند داشت.

فرض کنید احزاب معینی قانون اساسی های متفاوتی

قدرت را بدست بگیرند. امروز در جامعه ما توده مردم انقلابی، کارگران، بازنشستگان، معلمان، زحمتکشان، دادخواهان در دل انقلاب جاری فعال هستند و از مدتها قبل از انقلاب هم در جنبشهای اعتراضی مختلفی فعال بودند. بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی که به قدرت اعتصاب و مبارزه و اعتراضات و تظاهرات و نهایتا قیام مسلحانه این نیرو صورت میگیرد هیچ حزب و یا سازمان و فردی، هر طرحی برای دوره گذار داشته باشد، نمیتواند این نیرو را دور بزند. نیروهای اپوزیسیون راست، نیروهای محافظه کار و ضد انقلاب، که میخواهند نظم موجود را با حداقل تغییرات حفظ کنند تلاش میکنند مردم را به خانه بفرستند و قدرت را خودشان به دست بگیرند. کاری که جمهوری اسلامی کرد. در مقابل، نیروهای انقلابی مثل حزب ما میخواهند تشکلهای توده ای نظیر شوراها را تقویت و تثبیت کنند (و یا اگر در طی انقلاب شکل نگرفته آنها را سازمان بدهند) و حکومت تازه را با دخالت مستقیم مردم مستقر کنند. این اساس تقابل نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در دوره گذار است.

حسن صالحی: اغلب در بحث دوره گذار از ضرورت برگزاری فراندوم برای تعیین نظام آتی و همینطور تدوین قانون اساسی صحبت میشود. نظر شما در این موارد چه هست؟

خاکریز حجاب سقوط کرده است

جنایتکار و چپاول اسلامی را به پیش برداشت. شکست سیاست حجاب اجباری یک پیروزی مهم برای انقلاب مهسا است که به قیمت زیادی به دست آمده است. باید آنرا حفظ کرد. جمهوری اسلامی اکنون با طرح اینکه "بی حجاب مجرم نیست بلکه متخلف است"، عقب نشینی خود را اعتراف کرده است. ما باید اعلام کنیم که بی حجاب نه مجرم است و نه متخلف. مجرم و متخلف جانیان اسلامی هستند و آنها را به محاکمه خواهیم کشید. از کسانی که محل کارشان پلمب میشود باید حمایت کرد. از زنان و همچنین مردانی که به دلیل عدم رعایت حجاب از کار بیکار میشوند باید متحدانه حمایت کرد. همان اتفاق زیبایی که در شاندیز افتاد و مردم فروشنده حامی زنان بی حجاب را گلباران کردند، را به شیوه های مختلف باید تکرار کرد.

جمهوری حجاب و آپارتاید جنسی و مافیای سرمایه داری باید گورش را گم کند. این را در سال جاری میتوانیم با اتحاد و تعرض خود کاملاً عملی کنیم. این حکومت به این جامعه تعلق ندارد. به این قرن، به این زمان به این مردم تعلق ندارد. این یک سیستم عقب مانده و متحجر و ضد انسانی و دون شان بشری است که باید با تعرضات بعدی انقلاب به گور سپرده شود. این خاکریزها را هم فتح خواهیم کرد و بر ویرانه های آن، جامعه ای آزاد و برابر و امن و بدون ستم و تبعیض و فقر و سرکوب و زندان را برپا خواهیم کرد. آزادی و کرامت انسانی و رفاه حق تک تک مردم است که این نیروی منحوس از مردم گرفته است. انقلاب زن زندگی آزادی میخواهد جامعه را انسانی کند و رفاه و کرامت و منزلت و شادی و برابری را برای اول بار در این جامعه حق تک تک مردم اعلام نماید و آنرا عملی نماید. سال جدید سال پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و پایان دادن به دوره دیکتاتورها و دیکتاتورپها است. زنده باد انقلاب مهسا!



کازم نیکخواه

در تیرماه سال پیش، دو ماه قبل از انقلاب زن زندگی آزادی، آخوند عباس محمدحسینی، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در مورد حجاب اسلامی گفت "حجاب خاکریز اول ماست، اگر سقوط کند بقیه خاکریزها هم از دست میروند". فضای جامعه آشکارا دارد به همه این را نشان میدهد که این خاکریز اصلی حکومت بدنبال انقلاب مهسا، کاملاً سقوط کرده است. فضای شهرهای مختلف نشان میدهد که زنان و دختران، این خاکریز اصلی حکومت اسلامی را فتح کرده اند و آنرا نابود کرده اند. مبارزه و اعتراضات و اعتصابات برای فتح خاکریزهای بعدی حکومت ادامه خواهد یافت. جنگ حجاب به طور قطع به نفع ما مردم مغلوبه شده است. با بگپر و ببند و قتل و پونز و اسید پاشی و جنایات بسیار چهل سال است تلاش کردند این طوق بندگی را بر سر زنان کنند و از این طریق جامعه را به صلابه بکشند. اما زنان و همه مردم آزاده جسورانه ایستادند و جنگیدند و این تحقیر را قبول نکردند، و انقلاب مهسا آخرین ضربه را وارد کرد و خاکریز اول حکومت سقوط کرد. جشن نوروز و چهارشنبه سوری و رقص مختلط زن و مرد در چهار راههای شهرهای مختلف نشان میدهد که آپارتاید جنسی نفسهای آخر را میکشد و میتوانیم آنرا کلاً از جامعه جارو کنیم. به فضای تهران و شیراز و مشهد و سمنج و سقز و شهرهای دیگر نگاه کنید. آیا از این خاکریز اثری به جا مانده است؟

شکست سیاست حجاب اسلامی حکومتی یک پیروزی مهم برای زنان و همه مردم است. روشن است که همه مردم خواهان سرنگونی کلیت حکومت اسلامی هستند. اما آنها که اهمیت این شکست را نمیدانند و افاضه میکنند که حجاب مهم نیست و امثال اینها، تنها و تنها سطحی بودن و عدم درک سیاسی خود را نشان میدهند. باید این پیروزی را ارج گذاشت و آنرا با تمام توان تثبیت کرد و گامهای بعدی برای در هم کوبیدن کل سیستم جنایتکار و چپاول اسلامی را به پیش برداشت. شکست سیاست حجاب اجباری یک پیروزی مهم برای انقلاب مهسا است که به قیمت زیادی به دست آمده است. باید آنرا حفظ کرد.

شکست سیاست حجاب اسلامی حکومتی یک پیروزی مهم برای زنان و همه مردم است. روشن است که همه مردم خواهان سرنگونی کلیت حکومت اسلامی هستند. اما آنها که اهمیت این شکست را نمیدانند و افاضه میکنند که حجاب مهم نیست و امثال اینها، تنها و تنها سطحی بودن و عدم درک سیاسی خود را نشان میدهند. باید این پیروزی را ارج گذاشت و آنرا با تمام توان تثبیت کرد و گامهای بعدی برای در هم کوبیدن کل سیستم

شکست سیاست حجاب اسلامی حکومتی یک پیروزی مهم برای زنان و همه مردم است. روشن است که همه مردم خواهان سرنگونی کلیت حکومت اسلامی هستند. اما آنها که اهمیت این شکست را نمیدانند و افاضه میکنند که حجاب مهم نیست و امثال اینها، تنها و تنها سطحی بودن و عدم درک سیاسی خود را نشان میدهند. باید این پیروزی را ارج گذاشت و آنرا با تمام توان تثبیت کرد و گامهای بعدی برای در هم کوبیدن کل سیستم

فسیلهای حکومتی طبیعی است که تلاش و تقلا میکنند که با طرحهای جدید "حجاب و عفافشان" اوضاع را به قبل بازگردانند. طرحهای تازه شان را به مجلس داده اند تا با "توجیه و ارشاد و توضیح و اقناع" و البته با جریمه و اخراج از کار و پلمب کردن مغازه ها و اماکن مختلف، سنگر در هم ریخته حجابشان را شاید برگردانند. اما این تقلاها هنوز نیامده شکست خورده و خودشان هم میدانند که راه به جایی نخواهند برد. حجاب پرا!

دوره گذار: تعبیر و واقعیات
ادامه از صفحه ۲

پیشنهاد میکنند. معیار مردم قبل

از هر چیز اینست که چه نیروهائی با چه سابقه و نقشی در انقلاب، این قوانین را پیشنهاد کرده اند. مردم به حزبی اعتماد میکنند، به نیرویی که نقش تعیین کننده ای در انقلاب داشته است، چه در سطح احزاب و چه در حد تشکلهای و حتی افراد، اتکا میکنند و نهایتاً انتخابشان سیاسی است و راییشان در هر انتخابات و فرآیندی نیز بر این انتخاب سیاسی مبتنی است.

هم اکنون احزاب و سازمانها و چهره های زیادی در اپوزیسیون هستند، جنبش کارگری چهره های خودش را دارد، نهادهای خودش را دارد، جنبش دادخواهی هم همینطور، جنبش دانشجویی هم همینطور و تا همینجا این چهره ها شناخته شده هستند. در طی انقلاب تعداد این نهادها و چهره های بیشتر هم خواهد شد و احزاب هم بیشتر خودشان را نشان خواهند داد و تفاوتها بیشتر روشن میشود. بویژه احزاب در روند سرنگونی جمهوری اسلامی نقش و عملکرد متفاوتی خواهند داشت و آن حزب و نیروی یا آن تشکل و یا آن چهره ای که نقش بیشتری در روند سرنگونی و بسیج و سازماندهی و پیشروی های انقلاب داشته باشد به همان درجه اعتبار بیشتری هم خواهد داشت. مردم به آن قانون اساسی رای خواهند داد که چهره ها و احزاب با نفوذ و مورد اعتماد شان آنرا طرح کرده باشد. یا اگر انتخاباتی پیش بیاید به کسانی رای خواهند داد که در دل انقلاب صلاحیت خودشان را به مردم نشان داده باشند. بنظر ما انتخاب مسئولین باید در دل شوراهای محلی و شهری و کارخانه ای و غیره صورت بگیرد ولی بهر شکلی باشد مردم به کسانی رای خواهند داد که در روند انقلاب به آنها اعتماد کرده اند و آنها را شناخته اند. به یک معنا موقعیت احزاب در دوره گذار ثمره فعالیت آنها در دوره انقلاب است. بطور واقعی و اجتماعی آن نیرویی میتواند مهر



دوره گذار از نظر ما، و هر حزب انقلابی که میخواهد واقعا مردم آزاد و رها بشوند، دوره ای است که باید قدرت مردم شکل یک قدرت تثبیت شده و حکومتی بخودش بگیرد و مردم مستقیماً همه امور مربوط به اداره جامعه را در دست بگیرند. آنچه در برنامه حزب بعنوان حکومت شورائی مطرح شده. بعد از پیروزی انقلاب، بر خلاف خواست و هدف نیروهای اپوزیسیون راست، نه تنها نباید مردم را به خانه فرستاد، بلکه باید مردم را در تشکلهای نوع شورائی سازماندهی کرد تا بتوانند قدرت را بدست بگیرند.

بشود و یا اینکه جنگ داخلی بروز پیدا کند؟ با توجه به اینکه آن دشمنی که همه داشتند و علیه اش می جنگیدند، برداشته شده است و به مرحله ای از مصافها رسیده ایم که احزاب و جریانات مختلف برنامه های اثباتی خودشان را میخواهند دنبال کنند یعنی هر کدام از این احزاب جامعه را به یک سو میخواهد بکشد. در این شرایط چقدر احتمال بروز هرج و مرج و جنگ داخلی وجود دارد؟

حمید تقوایی: بنظر من در شرایط بعد از انقلاب با توجه به اینکه جمهوری اسلامی بقدرت مردم بزیر کشیده شده است این احتمال بسیار ضعیف است که جامعه به هرج و مرج کشیده بشود. یکی از مبلغین این قضیه خود جمهوری اسلامی است که میگوید اگر من بروم همه به جان هم میافتند، اقوام مختلف و مذاهب مختلف با هم درگیر میشوند، دشمن خارجی حمله میکند و ایران وضعی شبیه سوریه پیدا میکند. همان سوریه

خودش را بر قانون اساسی، و بر اسم آن نظام آبی بزند که اعتبار و نقش و نفوذ بیشتری در طی انقلاب به دست آورده باشد. حال ممکن است یک حزب باشد، یک فرد باشد، یا یک جبهه ائتلافی و یا یک تشکل توده ای باشد. اشکال مختلفی میتواند پیش آید. ولی قدر مسلم این است که در پروسه انقلاب احزاب و نیروهای سیاسی مکانی در جامعه پیدا میکنند که به نسبت آن میتوانند نقش تعیین کننده ای در دوره گذار داشته باشند.

در آخر باید بر این نیز تاکید کنم که جامعه نهایتاً بین چپ و راست انتخاب خواهد کرد و طبعا در شرایط انقلابی چپ ترین و رادیکال ترین نقد وضع موجود و آزادیخواهانه و برابری طلبانه ترین برنامه های اثباتی بیشترین طرفدار را خواهد داشت.

حسن صالحی: در دوره گذار چقدر این احتمال وجود دارد که جامعه به هرج و مرج کشیده

ای که خود جمهوری اسلامی عامل اصلی وضعیت اسفناک آن بوده است را به رخ مردم میکشد و ادعا میکند اگر من بروم اینطور میشود! ما همیشه در مقابل این نظریه بوده ایم. کسانی هم هستند که با نیت خیر همین را میگویند اما فراموش نکنیم که از شرایط بعد از پیروزی انقلاب صحبت میکنیم. انقلاب حول خواسته های انسانی، خواسته های متحد کننده همه مردم و شعارهائی مثل زن، زندگی و آزادی به پیروزی میرسد.

همانطور که الان می بینیم مردم از کردستان تا زاهدان و تهران و همه شهرها شعار میدهند ما همه با هم هستیم. میگویند کرد، بلوچ آذری، آزادی و برابری. میگویند کردستان چشم و چراغ ایران و غیره. مردم واقعا کنار هم ایستاده اند. بنابراین اگر کسی نگران تفرقه های قومی و ملی و مذهبی است تا آنجا که به بدنه جامعه مربوط میشود چنین چیزی اتفاق نمی افتد. احزاب ناسیونالیست و احزاب افراطی چه ناسیونالیسم فارس، ناسیونالیسم مسلط که دست بالا را دارد، و چه ناسیونالیسمهای منطقه ای و قومی ممکن است تلاش کنند به ولی جامعه به آن جواب نخواهد داد. مضافاً به اینکه لاقلاً در دل انقلاب جاری خیلی از این احزاب تفاوتهای ملی و قومی و غیره را عمده نکرده اند و بحث آنها فعلاً بر سر اتحاد همه مردم بر علیه جمهوری اسلامی است. مهمتر آنکه در خود شعار محوری زن، زندگی و آزادی هیچ رگه و ردپائی از گرایشات و تعصبات قومی، ملی و مذهبی وجود ندارد. زن، زندگی آزادی کاملاً وحدت بخش و سراسری است، نه تنها در ایران بلکه میتوان گفت در دنیا، و به همین خاطر هم انقلاب ایران چنین نفوذ جهانی ای پیدا کرده است.

به همین خاطر علیرغم همه تفاوتهایی که بین احزاب وجود دارد شرایطی شبیه هرج و مرج یا جنگ داخلی و غیره بوجود نخواهد آمد بلکه برعکس، ما شاهد قدرت متحد مردم خواهیم بود و این قدرت ادامه در صفحه ۵

دوره گذار: تعبیر و واقعیات
ادامه از صفحه ۴

خودش ضامن جلوگیری از هر نوع تفرقه افکنی ها و تخاصمات داخلی است.

حسن صالحی: سیاست حزب کمونیست کارگری ایران برای دوره گذار چه هست؟

حمید تقوایی: دوره گذار دوره ای است که تفاوت‌های بین احزاب و برنامه های اثباتی آنان برجسته میشود و باید هم اینطور باشد. دوره گذار یعنی جمهوری اسلامی کنار زده شده و حالا باید مردم آگاهانه و آزادانه انتخاب کنند که چه حزبی، چه آلترناتیوی و چه سیاسی از نظر اقتصادی، اجتماعی و ساختار سیاسی و غیره آمل و خواستهای آنها را نمایندگی میکند.

طبعاً احزاب آلترناتیوهای مختلفی دارند و هر کس بحث خودش را عرضه میکند. ما فکر میکنیم برای اینکه این پروسه بتواند کاملاً دموکراتیک، در شرایط امن، به نفع مردم، به نفع انتخاب آزادانه و آگاهانه مردم پیش برود احزاب و نیروها باید از همین امروز به مبانی و اصول فعالیت سیاسی دموکراتیک و متمدنانه متعهد شوند. موازینی که آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی را برای همه احزاب و نیروها و فعالین تضمین کند. هر حزب و سازمان و نهادی باید بتواند حرف خودش را بزند، تجمعات خودش را برگزار کند، سمینار و کنگره و کنفرانس اش را برگزار

فاکتور مهم در واقع اتوریته احزاب و جنبشها است. بحث واقعی این است که چه احزاب و نیروهای سیاسی با چه درجه اتوریته و نفوذ و موقعیت اجتماعی در صحنه هستند. اگر جمهوری اسلامی با قدرت انقلاب سرنگون شده است و مردم اعتصاب کرده اند، تظاهرات کرده اند و بالاخره قیام کرده اند و این حکومت را بزیر کشیده اند، در این روند بالاخره نیروهایی در جامعه اعتبار کسب کرده اند و اعتماد مردم را بدست آورده اند. این نیروها بنا به قدرت و اعتبار و درجه نفوذشان در جامعه در شرایط دوره گذار نقش تعیین کننده ای خواهند داشت. میخواهم بگویم اینطور نیست که با سرنگونی جمهوری اسلامی همه احزاب و نیروهای سیاسی و جنبش های سیاسی در موقعیت یکسانی قرار دارند و مثل یک مسابقه دو صد متر هم تراز هم ایستاده اند تا با سوت سقوط حکومت مسابقه برای تثبیت خودشان و تشکیل قانون اساسی و دولت مطلوبشان را شروع کنند. بطور واقعی احزاب و نیروهای سیاسی بر حسب سابقه و عملکردشان بویژه در دوره انقلاب جایگاه و وزن متفاوتی در دوره گذار خواهند داشت.

برای همه احزاب و سازمانها برسمیت بشناسند، مجازات اعدام، شکنجه و غیره را ممنوع اعلام کنند، نیروهای سرکوبگر را منحل اعلام کنند، پیگیری کنند که جانان محاکمه بشوند و اقدامات فوری دیگری که باید در دوره گذار صورت بگیرد. اینها حداقل توافقاتی هست که اجازه میدهد که آن دوره در کمال تمدن، آرامش و با بیشترین امکان مردم بحث ها را بشنوند و بین احزاب انتخاب کنند.

همانطور که اشاره کردم در دوره انقلاب تا حد زیادی مردم احزاب را شناخته اند. در دوره گذار باید شرایطی فراهم آورد که مردم شناخت بیشتر و دقیقتری بخصوص از برنامه اثباتی احزاب پیدا کنند.

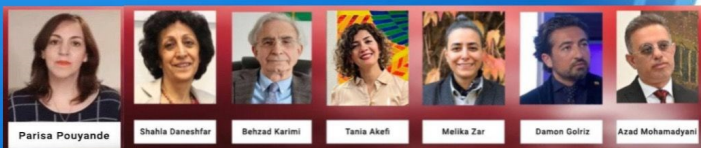
دوره گذار دوره طرح برنامه اثباتی احزاب و بحث و مناظره بین آنها است. حزب ما و یا هر حزب دیگری اعلام میکند چه برنامه ای دارد، چه نظامی میخاهد، نقش مردم چه هست، نقش احزاب چه هست و غیره. باید شرایطی ایجاد کرد که در رسانه ها و مناظره ها و سمینار های علنی و عمومی این بحث ها وسیعاً مطرح بشود. مهمترین نکته ما در دوره گذار پابندی احزاب به یک موازین دموکراتیکی هست برای اینکه مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه آینده خودشان را انتخاب کنند.

۳۱ مارس ۲۰۲۳ ، ۱۱ فروردین ۱۴۰۲
با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

حیاتی است. هر حزبی میتواند در برنامه خودش هر تعبیری از آزادی یا دموکراسی و یا غیره داشته باشد. بحث سر آن نیست، بحث بر سر اینست که همه احزاب و نیروهای سیاسی، البته بجز آنها که در حکومت بوده اند و شریک جرم جمهوری اسلامی هستند، باید بتوانند آزادانه فعالیت کنند. آزادی بی قید و شرط تحزب، تظاهرات، اعتصاب، بیان، مطبوعات را

کند و در تلویزیونها و رادیوها تبلیغات خودش را بکند. چندی پیش ما مبانی ای را تحت عنوان "میثاق پابندی به آزادی احزاب و فعالیت سیاسی" منتشر کردیم که در آن بر آزادی های بی قید و شرط، لغو مجازات اعدام، آزادی همه زندانیان سیاسی، انحلال همه نیروهای سرکوبگر و نظایر آن تاکید شده است. پابندی به این اصول بویژه در دروه گذار بسیار

نشست اول لاهه "انقلاب زن زندگی آزادی"، آینده سیاسی ایران"



شنبه ۸ آوریل ، ساعت: ۱۴ - ۱۸

Saturday 8 April , 14 - 18 CET

آدرس تماس: Wlfpainl@gmail.com

با نمایندگان احزاب، گرایشات سیاسی و LGBTQ+ با موضوع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و آینده سیاسی در ایران طی نشست در هلند به گفتگویی نشینیم.

از همگان دعوت بعمل می آوریم ضمن حضور فعال خود در این پنل، راه رسیدن به پیروزی انقلاب جاری را مورد بحث و گفتگو قرار دهیم. آدرس:

De Haagse Hogeschool, Johanna Westerdijkplein 75, 2521 EN Den Haag

Ovaal 61 اسم سالن

#زن زندگی آزادی

#جمهوریاسلامینابودبایدگردد

#مهسا_امینی

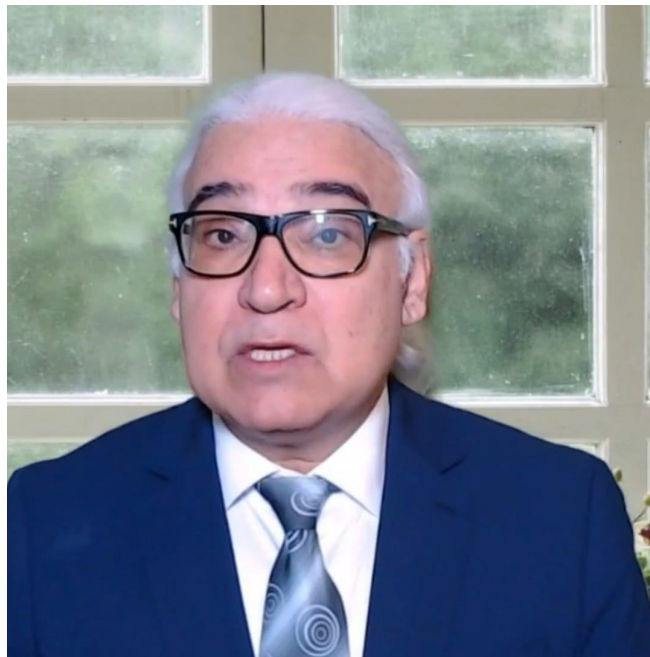
#womanlifefreedom

#mahsaamini

بخشش و یا تایید جنایات رژیم!-

“ نمی بخشیم ” به معنای انتقامجویی نیست. صحبت به سر محاکمه همه جانیانی است که در کشتار مردم نقش داشته اند. اینکه این محاکمات در چه ابعادی صورت خواهد گرفت موضوعاتی نیستند که از همین حالا بتوان درباره آن سخن گفت. جنبش دادخواهی در کنار خواست فراموش نشدن این جنایات می خواهد به همه جرایم و جنایات جمهوری اسلامی و سران و عوامل آن رسیدگی شود. این عین عدالت است. اما دادخواهی فقط برسر این نیست. کل پروسه دادخواهی می خواهد جامعه را در مقابل بروز مجدد چنین جنایاتی واکسینه کند. جلوگیری از تکرار این جنایات همواره یکی از اهداف دادخواهان در ایران بوده است. در پس شعار “نه میبخشیم و نه فراموش می کنیم” چیزی جز عدالت و وفاداری به آزادی و استقرار جامعه ای بدور از سرکوب و جنایت وجود ندارد. کسی که با این شعار مخالفت دارد سودای دیگر جز آزادی و عدالت در سر دارد.

مندرج در ژورنال شماره ۳۸۸



در واقع تایید بخشی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی است. و فرصتی که ایشان می خواهد به این جنایتکاران بدهد از آنروست که بتواند از پتانسیل جنایتکارانه آنها در حکومت احتمالی مورد نظر خود استفاده کند. هرکس این را می داند که شعار

پردازد. از نظر این خاندان کشتار چپ ها و مجاهدین که اینها علنا آرزوی مرگشان را دارند نه فقط نیازی به دادخواهی ندارد بلکه جانیانی که این کشتارها را انجام داده اند باید مورد بخشش و چه بسا تشویق قرار بگیرند. بخششی که رضا پهلوی از آن حرف می زند

حسن صالحی
رضا پهلوی اخیرا در گفتگو با “ماکس امینی” به رد شعار محوری جنبش دادخواهی یعنی “نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم” پرداخته است و می گوید “بخشیدن در این شعار مصداق “ترویج انتقامجویی و نشانه عقده و نفرت و عصبانیت” است. از این رو ایشان از “گذشت و بخشش سخن” می گوید و معتقد است به خطاکاران و جنایتکاران باید “فرصت دیگری” داد.
اولین نکته ای که به رضا پهلوی باید گوشزد کرد این است که اگر ایشان آنطور که خود می گوید مخالف ترویج نفرت است به همسر خود یعنی خانم یاسمین پهلوی متذکر شود که اینهمه یاره گویی نکند و آرزوی مرگ چپی و مجاهد را نفرماید!!

ولی مشغله رضا پهلوی این چیزها نیست. وقتی همسر ایشان در واکنش به اظهارات حامد اسماعیلیون پیرامون حق دادخواهی بازماندگان اعضای اعدام شده مجاهدین خلق اعتراض می کند در واقع به بیان منویات قلبی خاندان پهلوی می

دشمنی با جنبش دادخواهی و دشمنی با هرگونه عدالت از توثیت یاسمین پهلوی که سخنگوی غیر رسمی بیت پهلویها است می بارد. این توثیت ادامه توثیت دیگر اوست که شعار مرگ بر چپ و مجاهد را تبلیغ کرده بود ولی بدلیل موج اعتراض به آن توثیتش را حذف کرد. یکی از کاربران در مورد اظهار نظر جدید یاسمین پهلوی نوشته است: دادخواهی حق ماست، دادخواهی “لطفی نیست” که کسی به دیگری بکند و دادخواهی از ظلم جمهوری اسلامی، مجاهد و سلطنت طلب و معترض نمی شناسد. و من اضافه میکنم که پهلویها با این موضعگیریها دارند “لطفی” به جمهوری اسلامی میکنند. هزاران نفر از فعالین سازمان مجاهدین توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند و خانواده های آنها بخشی از جنبش دادخواهی از دهه شصت هستند. پهلویها با این موضعگیریها دارند جنایات جمهوری اسلامی را پاک میکنند و در عوض به روی جنبش دادخواهی تیغ میکشند.

اصغر کریمی پهلویها و جنبش دادخواهی از ژورنال ۳۸۱

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

تجمعات معلمان در چندین شهر و فراخوان بازنشستگان به تجمع بزرگ سراسری در بیستم فروردین ماه



معلمان در خیابان حرکت کردند و با شعار بیشرف بیشرف خشم خود را از حضور نیروهای سرکوب فریاد میزدند. در همان حال شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد نیز سر داده شد.

معلمان همواره اعلام کرده اند که خط قرمز آنها دانش آموزان هستند و معلمان به حملات شیمیایی به دانش آموزان اعتراض دارند. دستگیری محمد حبیبی سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز بر خشم و اعتراض در میان معلمان شدت داده است. با بازگشایی مدارس بعد از تعطیلات نوروز دامنه حملات شیمیایی به مدارس تا کنون به شهرهای مختلفی از جمله تهران، اصفهان، قم، قزوین، مراغه، اردبیل، جهرم، کرج، تبریز، پیرانشهر کشیده شده است. شامگاه چهارشنبه شانزده فروردین فریاد زند کریمی از معلمان قراردادی در سنج بازداشت شد. و اطلاعی از محل انتقال وی در دست نیست. معرفی و محاکمه آمرین و عاملین حملات شیمیایی به مدارس و پایان دادن

امروز هفدهم فروردین معلمان بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده و در اعتراض به بی پاسخ ماندن خواستههایشان و سرکوبگری های حکومت در شهرهایی چون کرج، تهران، کرمانشاه، نیشابور، همدان و ملایر تجمعاتی دست به اعتراض و تجمع جلوی آموزش و پرورش زدند. معلمان شعار میدادند: معلم داد بزن، حقتو فریاد بزن، و شعارهای دیگر.

حضور زنان در تجمعات امروز قابل توجه بود. در تهران جمعیتی از معلمان مقابل آموزش و پرورش تجمع داشتند و یکی از معلمان در مورد خواسته ها و حق و حقوق فرهنگیان سخنرانی کرد. حکومت با نیروهای سرکوبش تلاش کرد تجمع را متفرق کند و معلمان با آنها مقابله کردند و آنها را هو کردند و با فریاد بیشرف بیشرف جوابشان را دادند. در این درگیریها دو یا سه نفر دستگیر شدند. مردمی که در خیابانها بودند از معلمان ابراز حمایت میکردند و رانندگان با بوق زدن همراهی خود را نشان میدادند.

در ادامه این اعتراضات، جمعیت

رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به برنامه های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها. از مبارزات و خواستههای معلمان باید فعالانه حمایت کرد.

خبر مهم دیگر اعلام اعتراض سراسری از سوی بازنشستگان برای ساعت ده و نیم صبح روز بیستم فروردین ماه است. یک موضوع عاجل این فراخوان اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار است. این تجمعات در تهران مقابل وزارت کار و در شهرستانها با تشخیص بازنشستگان همان شهر برگزار خواهند شد. لغو مصوبه مزدی شورای عالی کار و افزایش حداقل حقوقها به بالای سبد هزینه سی میلیونی و در همین راستا اجرای کامل همسان سازی حقوقها، درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی همه بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی، پایان دادن به دزدی ها و اختلاسها و بازپرداخت دیون دولت به صندوق های بازنشستگی از جمله مطالبات اعلام شده بازنشستگان است.

بازنشستگان یک نیروی مهم مبارزات به ویژه در دل انقلاب هستند. از خواستهها و مطالبات آنها باید وسیع حمایت کرد. ناپود باد حکومت اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ فروردین ۱۴۰۲، ۶ آپریل ۲۰۲۳

به این جنایت در قبال دانش آموزان، آزادی فوری و بدون قید و شرط محمد حبیبی، فریاد زندکریمی و همه معلمان زندانی دو خواست فوری و حیاتی برای معلمان و کل جامعه است. بعلاوه معلمان پیگیر خواستههای اعلام شده خود هستند. ادامه سیاست جنایتکارانه حکومت در قبال دانش آموزان و سرکوبگریهایش و بی پاسخ ماندن مطالبات معلمان بر ضرورت حرکتی سراسری و متحدانه از سوی معلمان و همه جامعه تاکید میگذارد. پاسخ قاطع در چنین شرایطی اعلام اعتصاب سراسری از سوی معلمان است. با اعتصابات سراسری میتوان حمایت وسیع خانواده های دانش آموزان و همه مردم را همراه کرد. با چنین پاسخ محکمی میتوان هزینه جنایتکارها و سرکوبگری های حکومت را بالا برد.

خواستههای اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان عبارتند از: پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی و لغو احکام صادر شده برای معلمان معترض و مسدود شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها، پایان دادن به حبس دانش آموزان در کانون های اصلاح و تربیت و پایان دادن به بازداشت دانش آموزان و بازگشت به کلاس دانش آموزان اخراجی و دانشجویان ستاره دار، اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سبد هزینه که رقمش همین امروز بیش از سی میلیون است، تحصیل

کلا انقلابی که میخواهد حکومت اسلامی و کل سنتهایش را به زیاله دان بیندازد با سنت سلطنت که با مذهب و اسلام و دیکتاتوری عجین است خوانایی ندارد. رضا پهلوی خود در جایی گفت "اگر قرار به اسلام ستیزی باشد من ترجیح میدهم همین حکومت اسلامی سر جاییش بماند". این جوهر سلطنت است و جامعه تماما از مذهب و اسلام و آقا بالا سر و دیکتاتوری میخواهد عبور کند.

زیگزاگهای رضا پهلوی و بحران لاعلاج راست سلطنتی کاظم نیکخواه

ناپود باد حکومت اسلامی!

گرامیداشت روز تولد حمید روحی از جانب‌باختگان انقلاب و تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز و شوش

یاد آنها و جمع شدن بر مزار عزیزان جانب‌باخته، بر دادخواهی تا سرنگونی حکومت اسلامی و بر ادامه انقلاب زن_زندگی_آزادی تاکید میکنند.

خبر دیگر در مورد تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در دو شهر اهواز و شوش در روز دوشنبه ۱۴ فروردین در اعتراض به فقر و گرانی و وضع بد معیشتی است. یک موضوع اعتراض آنها به مصوبه مزدی شورای عالی کار است. تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در مقابل فرمانداری و در اهواز مقابل اداره تامین اجتماعی برگزار شد. در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "مشکل بازنشسته تا کی میخواد حل بشه"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "نه مجلس نه دولت / نیستند به فکر ملت"، "فقط کف خیابون / به دست میاد حقمون"، "بازنشسته بپاخیز، برای رفع تبعیض"، "دشمن ما همینجاست، دروغ میگو آمریکاست"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده ملتی"، و "رئیس بی‌عرضه، برگرد برو به حوزه".

فضای خشم و سرنگونی طلبی در سراسر جامعه و در تمامی اعتراضات اجتماعی موج میزند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ فروردین ۱۴۰۲، ۵
آوریل ۲۰۲۳

شعارهای ضد حکومتی در همبستگی با خانواده وی یاد این عزیز را گرامی داشتند.

مردم در حوالی منزل حمید رضا روحی در شهر زیبا شعار میدادند: "سیدعلی بی ریشه، خیزش تموم نمیشه"، "آزادی آزادی آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر حکومت بچه‌کش"، "قسم به خون باران ایستاده ایم تا پایان"، "زن زندگی آزادی"، "مرگ بر خامنه‌ای". از همدان به مناسبت فراخوان تولد حمید رضا روحی پیام ارسال شده بود: "تولدت مبارک پسر باران".

در این روز عده ای به مزار وی رفتند و آنرا گلباران کردند. همچنین دانش آموزان انقلابی آمادگی خود را برای پاسخ به فراخوان تولد حمید رضا روحی در مدیای اجتماعی اعلام داشتند.

در یکی از مدارس سنندج نیز دانش آموزان به این مناسبت بر روی تمام میزهای مدرسه نوشتند: "تولدت مبارک حمیدرضا".

همچنین بنری به مناسبت سالروز تولد حمید رضا روحی و گرامیداشت یاد او بر فراز اتوبانی در تهران و با موضوع دعوت به شرکت در فراخوان روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ساعت ۱۹ در شهر زیبا آویزان شده بود.

خانواده‌های دادخواه و مردم سرنگونی طلب در سال جدید، با تجلیل یاد و خاطر جانب‌باختگان که بدست جانیان اسلامی به قتل رسیده اند، با گرامیداشت جمعی



هشت شب بیان دم خونمون برایت تولد بگیرن". بدنبال این استوری و دعوت پدر حمید رضا به شرکت در سالگرد تولد او در شهر زیبای- تهران امروز بسیاری از جوانان در تهران به محل سکونت وی رفتند و با فریاد

امروز ۱۶ فروردین سالروز تولد حمید رضا روحی از جانب‌باختگان انقلاب بود. پدر حمید رضا روحی در استوری خود نوشته بود: "عزیز جانم خیالت راحت. امسال کسی تولدت رو یادش نمیره. دوستان قرار گذاشتن روز تولدت ساعت

انقلاب نه تنها با سلطه آخوندها بلکه با سلطه هر اقلیتی مخالف است، با دولت مافوق مردم مخالف است. وقتی مردم آزادی میخواهند یعنی میخواهند خودشان تصمیم بگیرند، خودشان حاکم باشند. کارگران مدتهاست که اداره شورایی را مطرح کرده اند. این انقلاب بر سر این هم هست. این انقلابی است برای رهایی زن، برای پاس داشتن از زندگی و برای تامین آزادی به معنی زدن زیر سلطه یک درصدی های سرمایه دار مفتخور و زدن زیر دولتهای مافوق مردم. بنظر من این انقلاب این اهداف را در پیش دارد و حزب ما به سهم خود تمام توانش را بکار میبرد تا این انقلاب به پیروزی برسد.

«شبهات ها و تفاوت های انقلاب ۵۷ و انقلاب جاری» حمید تقوایی

این بیانیه ها را اگر شما مقایسه کنید مثلا با فعالیت‌هایی که نیروهای اپوزیسیون راست میکنند متوجه میشوید که این نوع بیانیه ها و فراخوانهای نهادها و چهره های جنبشهای اعتراضی است که در واقع مضمون و هدف اصلی انقلاب را صریح، روشن، و شفاف مطرح میکند و رویاروی جامعه میگذارد و جامعه را فراخوان میدهد که برای چنین خواستهها و مطالباتی مبارزه کنند. و به این معنا محتوا و عمق میدهد به انقلاب زن، زندگی و آزادی. در واقع میتوان گفت که این بیانیه ها تبیین و تفسیر چپ، رادیکال و انسانی از شعار زن، زندگی آزادی به دست میدهد. جایگاه و اهمیت بیانیه شورایی سازماندهی اعتراضات ... حمید تقوایی

اولتیماتوم کارگران رسمی نفت، تجمع کارگران داروگر و پرستاران مشهد



کارگران رسمی نفت طی بیانیه ای اولتیماتوم داده اند که اگر تا بیستم فروردین به خواسته‌های آنها و در راس آن مطالبه اجرای ماده ده پاسخ داده نشود با استیضاح وزیر نفت دست به اعتراض گسترده تری خواهند زد. این اولتیماتوم از سوی شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت طی بیانیه ای در تاریخ سیزدهم فروردین اعلام شده است. در این بیانیه کارگران خشمگین به اوجی وزیر نفت اولتیماتوم داده و مینویسند: "هشدار می‌دهیم اگر تا ۲۰ فروردین اجرای ماده کدایی به سرانجام نرسد ما کارکنان رسمی صنعت نفت تا آخرین نفس برای درآوردن ردای وزارت از تن شما تلاش و اقدام خواهیم کرد". ماده ۱۰ مصوبه ای مربوط به شرایط ویژه استخدام و حقوق و مزایای کارکنان بخشهای عملیاتی شرکت نفت است. این مصوبه در سال ۹۱ زیر فشار کارگران مصوب و بر اساس آن قرار بود بهبودهایی در وضع حقوقی و کاری این کارگران ایجاد شود. اعتراض کارگران رسمی نفت به عدم اجرای این مصوبه و سنگ اندازی نهادهای حکومتی است. در این رابطه کارگران رسمی نفت اعتراضات متعددی در سال گذشته داشتند و یک بخش معترض کارگری در دل انقلاب بودند. اعتراضات آنها بر تحرک اعتراضی در بخش های دیگر نفت نیز تاثیر گذار بود.

صبح روز چهارشنبه ۱۶ فروردین حدود صد نفر از کارگران داروگر تهران در اعتراض به اخراج چهارده نفر از همکاران خود، تعویق پرداخت سه ماه حقوق و شش ماه حق بیمه و نداشتن

امنیت شغلی دست از کار کشیده و مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند. بنا بر خبرها مدیران کارخانه به بهانه‌های مختلف از روز ۲۸ اسفند تا ۱۵ فروردین ۱۴ نفر از کارگران این کارخانه را که سوابق بعضی از آنها به ۱۵ تا ۲۰ سال هم می‌رسد، اخراج کرده اند. کارگران این کارخانه به دلیل داشتن قراردادهای موقت یک ماهه هیچگونه امنیت شغلی ای ندارند. به گفته کارگران بیش از یکسال است که تحت عنوان نبود مواد اولیه، تولید در کارخانه داروگر تهران محدود و کارگران در خطر اخراج قرار دارند. و به همین دلیل کارگران در محل کار خود تقریباً بیکار هستند. لغو سرویس ایاب و ذهاب، وضعیت نامناسب غذا و مرخصی‌های کارگران از دیگر موضوعات اعتراض این کارگران است.

روز چهارشنبه ۱۶ فروردین پرستاران و کمک پرستاران بیمارستان رضای مشهد در اعتراض به واریز ناعادلانه تعرفه خدمات پرستاری و سطح نازل حقوقها و فشارهای سنگین کاری دست به تجمع زدند. در همین رابطه در روز قبل نیز پرستاران در بیمارستان روحانی بابل و در اراک در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع داشتند. در

اراک پرستاران شعار میدادند: "تعرفه ما کجاست / توی جیبی کیاست؟"، "تعرفه‌ی عادلانه حق ماست!"، "تنهاترین رسته‌ایم از وعده‌ها خسته‌ایم"، "با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم". سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری، وضع نابسامان استخدامها، وضع نابسامان مراکز درمانی و استاندارد پایین بهداشتی آنها ا ز جمله موضوعات سراسری است که پرستاران بارها بخاطر آن دست به اعتراض زده اند. اعتراض علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسها و وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی و سطح نازل حقوقها یک اعتراض اجتماعی است. از جمله علاوه بر پرستاران در همین رابطه اعتراضات در میان معلمان، بازنشستگان، کارگران در نفت و بسیاری از مراکز کارگری گسترش یافته و فضایی برای اعتصابات سراسری را فراهم کرده است. حزب کمونیست کارگران اعتصابات سراسری کارگران موثر و مهمی در مقابله با تعرضات کارفرمایان و حکومت میداند. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ فروردین ۱۴۰۲، ۵ آپریل ۲۰۲۳

دستگیری محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان

ایجاد کرده اند. این سومین بار است که محمد حبیبی دستگیر میشود. خواست معلمان و همه مردم آزادی فوری محمد حبیبی و تمامی زندانیان سیاسی است و با مبارزات و اعتصابات و اعتراضات خود این امر را پی خواهند گرفت. جمهوری منغور اسلامی با حملات شیمیایی به کودکان و دستگیری معلم معترض و محبوب حبیبی، بدون تردید طوفان درو خواهد کرد و خشم و اعتراضات گسترده تری را دامن خواهد زد. نابود باد حکومت اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ فروردین ۱۴۰۲، ۵ آپریل ۲۰۲۳

صبح امروز شانزدهم فروردین محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محل تدریس خود در شهریار توسط چهار نفر از نیروهای امنیتی حکومت به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور بازداشت شد و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردید. محمد حبیبی در حالی امروز بازداشت شد که از آزادی وی کمتر از دو ماه گذشته بود. حکومت اسلامی که با از سرگیری اعتراضات معلمان در آغاز سال جاری و اولتیماتوم آنها برای پیگیری مطالباتشان به وحشت افتاده، با این دستگیریه‌ها تلاش میکند اوضاع را تحت کنترل بگیرد. معلمان با اعلام اینکه خط قرمز ما دانش آموزان هستند سد محکمی در برابر حملات جنایتکارانه جمهوری اسلامی به مدارس



اولتیماتوم کارگران رسمی نفت، تجمع کارگران داروگر و پرستاران شیراز



کارگران رسمی نفت طی بیانیه ای اولتیماتوم داده اند که اگر تا بیستم فروردین به خواسته‌های آنها و در راس آن مطالبه اجرای ماده ده پاسخ داده نشود با استیضاح وزیر نفت دست به اعتراض گسترده تری خواهند زد. این اولتیماتوم از سوی شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت طی بیانیه ای در تاریخ سیزدهم فروردین اعلام شده است. در این بیانیه کارگران خشمگین به اوجی وزیر نفت اولتیماتوم داده و مینویسند: "هشدار می‌دهیم اگر تا ۲۰ فروردین اجرای ماده کنایه به سرانجام نرسد ما کارکنان رسمی صنعت نفت تا آخرین نفس برای درآوردن ردای وزارت از تن شما تلاش و اقدام خواهیم کرد". ماده ۱۰ مصوبه ای مربوط به شرایط ویژه

استخدام و حقوق و مزایای کارکنان بخشهای عملیاتی شرکت نفت است. این مصوبه در سال ۹۱ زیر فشار کارگران مصوب و بر اساس آن قرار بود بهبودهایی در وضع حقوقی و کاری این کارگران ایجاد شود. اعتراض کارگران رسمی نفت به عدم اجرای این مصوبه و سنگ اندازی نهادهای حکومتی است. در این رابطه کارگران رسمی نفت اعتراضات متعددی در سال گذشته داشتند و یک بخش معترض کارگری در دل انقلاب بودند. اعتراضات آنها بر تحرک اعتراضی در بخش‌های دیگر نفت نیز تاثیر گذار بود.

- صبح روز چهارشنبه ۱۶ فروردین حدود صد نفر از کارگران داروگر تهران در اعتراض به اخراج چهارده نفر از همکاران خود، تعویق پرداخت سه ماه حقوق و

شش ماه حق بیمه و نداشتن امنیت شغلی دست از کار کشیده و مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند. بنا بر خبرها مدیران کارخانه به بهانه‌های مختلف از روز ۲۸ اسفند تا ۱۵ فروردین ۱۴ نفر از کارگران این کارخانه را که سوابق بعضی از آنها به ۱۵ تا ۲۰ سال هم می‌رسد، اخراج کرده اند. کارگران این کارخانه به دلیل داشتن قراردادهای موقت یک ماهه هیچگونه امنیت شغلی ای ندارند. به گفته کارگران بیش از یکسال است که تحت عنوان نبود مواد اولیه، تولید در کارخانه داروگر تهران محدود و کارگران در خطر اخراج قرار دارند. و به همین دلیل کارگران در محل کار خود تقریباً بی‌کار هستند. لغو سرویس ایاب و ذهاب، وضعیت نامناسب غذا و مرخصی‌های کارگران از دیگر موضوعات اعتراض این کارگران است.

- روز چهارشنبه ۱۶ فروردین پرستاران و کمک پرستاران بیمارستان رضای مشهد در اعتراض به واریز ناعادلانه تعرفه خدمات پرستاری و سطح نازل حقوقها و فشارهای سنگین کاری دست به تجمع زدند. در همین رابطه در روز قبل نیز پرستاران در بیمارستان روحانی بابل و در

اراک در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع داشتند. در اراک پرستاران شعار میدادند: "تعرفه ما کجاست / توی جیبی کیاست؟"، "تعرفه‌ی عادلانه حق ماست!"، "تنهاترین رسته‌ایم از وعده‌ها خسته‌ایم"، "با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم". سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری، وضع نابسامان استخدامها، وضع نابسامان مراکز درمانی و استاندارد پایین بهداشتی آنها از جمله موضوعات سراسری است که پرستاران بارها بخاطر آن دست به اعتراض زده اند. اعتراض علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسها و وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی و سطح نازل حقوقها یک اعتراض اجتماعی است. از جمله علاوه بر پرستاران در همین رابطه اعتراضات در میان معلمان، بازنشستگان، کارگران در نفت و بسیاری از مراکز کارگری گسترش یافته و فضایی برای اعتصابات سراسری را فراهم کرده است. حزب کمونیست کارگران اعتصابات سراسری کارگران را گام موثر و مهمی در مقابله با تعرضات کارفرمایان و حکومت میداند. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ فروردین ۱۴۰۲، ۵ آپریل ۲۰۲۳

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدیر: نسان نودینیان

ادیتور: کاظم نیکخواه

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر

میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام. https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

تلاش کرده ایم که ضمن بیان خبرها نورافکنی بیندازیم بر روی خواستها و مطالبات رادیکال و انقلابی جامعه و به این مطالبات تعین و شفافیت بخشیم. از جمله یک تلاش ما دادن تبیینی روشن از شعار زن، زندگی، آزادی به عنوان شعار وحدت بخش کل جامعه بوده است. بعلاوه اینکه ما همواره کوشیده ایم که شعارهای متحد کننده مردمی را برجسته و جلوی چشم بیاوریم و نسبت به شعارهای تفرقه افکنانه و شعارهایی که به نوعی به اعتراضات رنگ قومی و مذهبی بدهد هوشیاری دهیم. آزادی بازداشت فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان، اتحاد و همبستگی علیه اعدام‌ها و سرکوبگریهای حکومت و بایکوت جهانی جمهوری به صورت کمپینی در اطلاعیه‌ها انعکاس داشته و برجستگی داشته است

شهلا دانشفر صد روز انقلاب...

آغاز سال جدید و شروع مجدد حملات شیمیایی به مدارس پاسخ قاطع به این جنایت اعتصابات سراسری است

اعتصابات سراسری است. معلمان از قبل اولتیماتوم داده اند که برای پیگیری خواسته‌هایشان در تدارک اعتراضات گسترده تر خواهند بود و در این آغاز سال در چندین شهر تجمع داشتند. اکنون انتظار می‌رود همانطور که اعلام کرده بودند که خط قرمزشان دانش آموزان هستند، دوباره به میدان بیایند و اعلام اعتصاب سراسری کنند. اعلام کنند که تا معرفی آمرین و عاملین این جنایت و ایمن شدن مدارس به کلاسهای درس باز نخواهند گشت. در عین حال پیگیر خواسته‌های اعلام شده خود شوند. همچنین باید همه بخشهای جامعه همراه با معلمان در اعتراض به حملات جنایتکارانه حکومت به دانش آموزان اعلام اعتصاب کنند. با اعتصابات سراسری میتوان حکومت را فلج کرد و بساط توحش و بربریت آنرا جمع کرد. جمهوری اسلامی بخاطر همه این جنایاتش باید در سطح جهان منزوی و از نهادها و مراجع بین المللی از جمله کنوانسیون جهانی حقوق کودک اخراج شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ فروردین ۱۴۰۲، ۴
آوریل ۲۰۲۳

نفس و علایم اضطرابی است." در این روز همچنین دانش آموزان مدرسه مهدیه در منطقه چهار تهران هدف حمله شیمیایی رژیم قرار گرفتند و چند نفر از آنان روانه بیمارستان شدند. تا کنون بیش از ۷ هزار دانش آموز در ۹۹ شهر هدف حملات شیمیایی حکومتیان قرار گرفته اند. مدارس دخترانه و خوابگاه‌های دانشجویی دختران هدف اصلی این حملات بوده اند. با حربه حملات شیمیایی به مدارس حکومتیان کوشیدند اذهان را از تعرض به نظام منحرف و فضای ارباب ایجاد کنند و از دختران شجاع پرچمدار انقلاب زن زندگی آزادی انتقام بگیرند. اما جامعه مقابلشان ایستاد. در ۱۶ اسفند به فراخوان معلمان و حمایت‌های مردمی در نزدیک به چهل شهر تجمع و اعتراض شکل گرفت و مردم با شعار "مرگ بر این حکومت بچه کش" و "مرگ بر طالبان چه ایران چه افغان" پاسخ محکمی به حکومت دادند. با همین قدرت باید جلوی ادامه این جنایت را گرفت و قدمی هم جلوتر برداشت. تجمعات اعتراضی مقابل مدارس و در صحن دانشگاهها و خیابانها یک شکل اعتراض است. اما جواب قاطع



بیمارستان خبر داده است. روز گذشته در نخستین روز بازگشایی مدارس در چهاردهم فروردین ماه نیز دانش آموزان دخترانه دبیرستان "۲۲ بهمن" محمدیار شهرستان نقده مورد حمله شیمیایی حکومتیان قرار گرفتند. که به گزارش روزنامه شرق 5 دانش آموز دچار مسمومیت شدند. محمد امین ولیزاده، رئیس دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی در گفت و گو با رسانه ها ضمن تایید مسمومیت دانش آموزان اعلام کرد: "در اولین روز بازگشایی مدارس در سال جدید، ۷۸ دانش آموز به مرکز درمانی مراجعه کردند که ۷۷ دانش آموز مرخص شدند و یک مورد بستری شده است که علت آن، سرفه ؛ تنگی

حوالی ساعت یازده و نیم صبح امروز پانزدهم فروردین دانش آموزان مدرسه دخترانه "حضرت معصومه" باغمیشه در تبریز مورد حمله شیمیایی حکومتیان قرار گرفتند. بنا بر گزارشات در اثر این حمله جنایتکارانه تعدادی از دانش آموزان دچار علائم (تنفسی و تنگی نفس) شدند. که بیست نفر آنها به بیمارستان سینا انتقال یافتند. خبرها حاکیست که بعد از حمله شیمیایی مسئولان مدرسه اجازه خروج دانش آموزان از مدرسه را ندادند. در این روز همچنین دانش آموزان دختر در منطقه دولت آباد اصفهان در نتیجه حمله شیمیایی دچار مسمومیت شدند. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از بدحالی دختران دانش آموز و انتقال آنها به

اعتصاب کارگران شرکت عمران صنعت چابهار و پرستاران در اراک

"تعارف‌های عادلانه حق ماست!"، "تنهاترین رسته‌ایم از وعده‌ها خسته‌ایم"، "با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم"

اعتراض علیه فقر و بی‌تامینی و وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی و حقوقهای نازل یک اعتراض اجتماعی است. از جمله در همین رابطه معلمان، بازنشستگان، کارگران در نفت و بسیاری از مراکز دیگر اولتیماتوم به اعتراض داده اند. حزب کمونیست کارگری بر اعتصابات سراسری بعنوان یک حلقه مکمل اعتراضات مردمی و جلو بردن انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ فروردین ۱۴۰۲، ۴ آوریل ۲۰۲۳



روز ۱۴ فروردین جمعیت بزرگی از پرستاران در برابر دانشگاه علوم پزشکی در اراک تجمع کردند و در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و وضعیت نابسامان استخدامی خود تجمع کردند. پرستاران شعار میدادند: "تعارف ما کجاست /توی جیبی کیاست؟"،



روز پانزدهم فروردین کارگران شرکت عمران صنعت در چابهار در اعتراض به پامال شدن حقوق کارگران و کارکنان این شرکت توسط پیمانکار به اعتصاب خود ادامه داد. این پروژه در دست سپاه و قرارگاه خاتم الانبیا است.

درباره لغو مجازات اعدام در مالزی

بقای ننگین خود ادامه داده است. بخش مهمی دیگری از اعدام ها در ایران متهمین مرتبط با مواد مخدر بوده است که این روزها شاهد اعتراضات مکرر خانواده ای آنها برای نجات جان عزیزانشان بوده ایم. اعدام تحت عنوان مبارزه با جرم و جنایت نه تنها باعث کاهش بزهکاری در جامعه نبوده است بلکه خود عاملی در بازتولید و تداوم خشونت در جامعه بوده است.

باید همه ما متحدانه صدایمان را علیه اعدام ها در ایران بلندتر کنیم و خواهان لغو مجازات اعدام و قوانین قصاص و لغو همه احکام اعدام شویم. با بلند کردن پرچم نه به اعدام و سرنگون باد رژیم اعدام در ایران هم در مقابل سرکوب رژیم قد علم کنیم و هم با دفاع از حق حیات و زندگی یک زندگی در خور انسان را بنا نهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۵ فروردین ۱۴۰۲ - ۴ آوریل
۲۰۲۳

که دفاع از زندگی را در محور کار خود دارد، دیر نیست روزی که ما عملاً اعدام را در ایران لغو کنیم و با سرنگونی جمهوری اسلامی به ممنوعیت قانونی مجازات اعدام دست یابیم. مجازات ضد انسانی اعدام همواره یکی از ابزارهای دولتها برای کنترل شهروندان و وسیله ای برای ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه بوده است. تجربه نشان داده است جامعه ای که در آن اعدام متداول است جامعه ایست که با بی ارزش کردن جان انسان دیگر حقوق پایه ای انسانها هم به سهولت پایمال می شود.

در ایران، جمهوری اسلامی از روز اول به قدرت رسیدنش از اعدام بعنوان مهمترین حربه سرکوب جامعه استفاده کرده و تاکنون دهها هزار نفر را اعدام کرده است. اعدام زندانیان سیاسی و مخالفین حکومت بخش مهمی از اعدامها در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است و این بخوبی نشان می دهد که چگونه جمهوری اسلامی با حذف فیزیکی مخالفان خود به



در پارلمان اجرای تمامی احکام اعدام متوقف شده بود. لغو قانونی مجازات اعدام در مالزی برای جنبش جهانی علیه اعدام یک خبر خوشایند و قدیمی در جهت درست است. لغو مجازات اعدام در هر کجا که باشد نیروبخش ما در ایران خواهد بود که حکومتش به نسبت جمعیت آن رکورددار اعدام در جهان است. به اعتبار جنبش قوی علیه اعدام در ایران و به یمن انقلاب زن زندگی آزادی

طبق اصلاحاتی که پارلمان مالزی روز سوم آوریل به تصویب رساند مجازات الزامی اعدام در این کشور لغو شده و از مجازاتهای جایگزین استفاده خواهد شد. به گفته یک مقام دولتی، اعدام عامل بازدارنده مؤثری در ارتکاب جرم نبوده است. لازم به گفتن است که دولت مالزی در سال ۲۰۱۸ اجرای مجازات اعدام در این کشور را لغو کرد و تا زمان تصویب قانون جدید

جنگی بی امان بر سر حجاب

الزامی است و در صورت عدم رعایت حجاب از فعالیت واحد مربوطه جلوگیری خواهد شد. جامعه نیز پاسخ این بخشنامه ها را با رقص مختلف در خیابان ها و اعتراض جمع در برابر گشت های ارشاد رژیم داده اند. این اعتراضات را باید گسترش داد. شهرهای بیشتری به زنجیره اعتراضات خیابان با رقص مختلف و جمع کردن گشت های ارشاد از تمام محلات و از خیابان ها بیبوندند. جمهوری اسلامی با تمام نیروهای سرکوبش باید گورش را گم کند و برود.

دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ فروردین
۱۴۰۲، ۴ آوریل ۲۰۲۳

هم شکست و با زور اجتماع در جاهایی گشت های ارشاد را فراری داد. علاوه بر ریختن گشت های ارشاد به خیابان حکومت تلاش کرده است که با بخشنامه های سرکوبگرانه اش و با پلمپ مغازه ها فشارش را تشدید کند. از جمله بخشنامه داده است که دختران بی حجاب را مدیران به مدرسه راه ندهند، پرستاران بیحجاب از محل کار اخراج شوند، اماکنی که فروشندگان و کارکنان زن در محل کار بدون حجاب ظاهر شوند پلمپ شوند، رانندگی بدون حجاب مشمول جریمه و توقیف گواهینامه و اتومبیل شود، ارائه خدمات عمومی و دولتی به زنان بی حجاب ممنوع و خدمات دهندگان مشمول جریمه شوند و رعایت حجاب برای زنان در شرکتها و موسسات خصوصی و سازمانهای غیردولتی و مردم نهاد



به کف خیابان دارد زور آزمایی میکند تا تا هرچقدر که بتواند بخشی از این سنگر از دست رفته را باز پس بگیرد. جامعه نیز در برابر حاکمیت استوار ایستاده و با رقص مختلط در این ایام نوروزی خیابانها را به تصرف خود در آورد و مرزهای تفکیک جنسیتی را در

حجاب سنگر فتح شده انقلاب زن، زندگی، آزادی است. حجاب نماد مهمی از موجودیت جمهوری اسلامی و بساط آپارتاید جنسی آن است و حکومت با راه انداختن دوباره طرح های حجاب و عفاف و ریختن مزدوران گشت ارشادی

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان در شوش و اعتراض به مصوبه مزد



بازنشستگان تامین اجتماعی یک نیروی مهم این اعتراضات هستند. خواسته‌های اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی که بارها آنها را در اعتراضاتشان اعلام کرده اند عبارتند از: اجرای کامل همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای نرخ سید هزینه که بالای سی میلیون است، درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن مناسب، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و بازگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق

روز ۱۴ فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در اعتراض سطح نازل حقوقها و فقر و گرانی و بی‌تامینی و نیز در اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار و برای پیگیری دیگر مطالباتشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازنشستگان در این تجمع اعتراضی شعار میدادند: "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، "تا حق خود نگیریم، از پانمی نشینیم".

اگر سبد هزینه سی میلیون است دستمزد نیز باید با سبد معیشت زندگی تناسب داشته باشد و حداقل به همین اندازه افزایش یابد.

در مجامع عمومی در همه مراکز کارگری باید در مورد مصوبه شورای عالی کار حکومت هم نظری کرد و اعتراضاتی سراسری و متحد را علیه این مصوبه ضد کارگری و ضد مردمی که کارگران و بازنشستگان را به فقر و محرومیت بیشتر محکوم میکند، سازمان داد. پاسخ گستاخی حکومت با تعیین حداقل دستمزد ۵ میلیونی که فاصله آن با نرخ سید هزینه به اندازه دره ای عمیق است را باید با تجمعات و اعتصابات سراسری پاسخ داد.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فروردین ۱۴۰۲، ۳

آپریل ۲۰۲۳

بازنشستگی و پرداخت دیون دولت به این صندوق، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و دستگیری و احضار کارگران. تشکل های بازنشستگان از جمله امضا کنندگان بیانیه خواسته‌های حداقلی بیست تشکل با سر سخن زن، زندگی، آزادی هستند و باید از خواسته‌ها و اعتراضات بازنشستگان وسیعاً حمایت کرد.

اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار گسترده است. کارگران نیشکر هفت تبه نیز در این رابطه طوماری اعتراضی منتشر کرده اند که تا کنون سی هزار نفر آنرا امضا کرده اند. همچنین تشکلهای مختلف کارگری در رابطه با این مصوبه بیانیه داده و صدای اعتراضشان را بلند کرده اند. در این بیانیه کارگران به کل بساط شورای عالی کار و تعیین دستمزد از بالای سر کارگران و دستمزدهای چندین و چند بار زیر خط فقر اعتراض کرده اند. کارگران میگویند

آغاز سال جدید و شروع اعتراضات گسترده معلمان



تجمع خواهند کرد. معلمان در استان تهران نیز قبلاً بیانیه داده و اعلام کرده بودند که از چهاردهم فروردین دست تحصن خواهند زد و در هفدهم فروردین مقابل آموزش و پرورش تجمع خواهند داشت. قبلاً نیز در هشتم فروردین معلمان در شهرهای مختلفی همچون زنجان، کرمانشاه، ملایر، تبریز، بجنورد، تبریز، ارومیه، قزوین و اردبیل تجمع و اعتراض داشتند. در قزوین معلمان حق التدریس در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان و خلف وعده در اجرای رتبه بندی و تعیین رتبه بندی سلیقه ای، تجمع کرده بودند. گفتنی است که بدنال تجمع سراسری و گسترده معلمان در

روز ۱۴ فروردین معلمان در مدرسه محمود کاظمی در ناحیه دو همدان، در مدرسه ای در شهرستان فیروزه در خراسان و در برخی از مدارس در بوکان برای پیگیری مطالباتشان و در اعتراض به فقر و گرانی و وضع بد معیشتی و پاسخ نگرفتن مطالباتشان دست از کار کشیدند و در دفتر مدرسه شان تحصن کردند.

همچنین در این روز معلمان شهر سقر در اعتراض به تداوم بازداشت همکار خود سلیمان عبدی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه) طی بیانیه ای اعلام داشتند که در صورت تداوم بازداشت سلیمان عبدی، ساعت ده تا دوازده ظهر روز هفدهم فروردین مقابل آموزش و پرورش این شهر

بیش از سی میلیون است، تحصیل رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به برنامه های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی و لغو احکام صادر برای معلمان معترض و مسدود شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها، پایان دادن به حبس دانش آموزان در کانونهای اصلاح و تربیت و پایان دادن به بازداشت دانش آموزان و بازگشت به کلاس دانش آموزان اخراجی و حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواسته‌ها و مبارزات معلمان اعلام میکند و همه مردم را به پشتیبانی از این مبارزات فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ فروردین

۱۴۰۲، ۳۱ مارس ۲۰۲۳

شانزدهم اسفند در اعتراض به حملات شیمیایی حکومتی به مدارس، در هفدهم فروردین سه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان گیلان عزیز قاسم زاده، محمود صدیقی پور و انوش عادلی برای اجرای حکم زندان خود به شعبه پنجم اجرای احکام احضار شدند. در اعتراض به این احضارها طوماری اعتراضی از سوی معلمان این شهر با خواست آزادی همه دانش آموزان و معلمان زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی معلمان تحت تعقیب و مشخصاً معلمان عزیز قاسم زاده، محمود صدیقی پور و انوش عادلی انتشار یافت و این کارزار ادامه دارد. در این طومار معلمان اعتراض میدانی در قبال دستگیری معلمان و صدور احکام سنگین و پرونده سازی های امنیتی را حق مسلم خود دانسته اند.

بدین ترتیب با آغاز سال جدید دور جدیدی از اعتراضات معلمان اعلام شده است. خواسته‌های اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان از جمله عبارتند از: اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سبد هزینه که رقمش همین امروز

فراخوان معلمان در تهران به سه روز اعتراض ۱۴ تا ۱۷ فروردین روزهای اعتراض

است، تحصیل رایگان با کیفیت و غیر ایدئولوژیک و درمان رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به برنامه های غارتگرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان و اختلاسها و دزدی ها، امنیت شغلی نیروهای غیر رسمی، خرید خدماتی، و خدمتگزاران و پرداخت پاداش بازنشستگان ۱۴۰۰، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی و تبعیدی و لغو احکام صادر برای معلمان معترض و مسدود شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها، پایان دادن به حبس دانش آموزان در کانون های اصلاح و تربیت و پایان دادن به بازداشت دانش آموزان و بازگشت به کلاس دانش آموزان اخراجی و دانشجویان ستاره دار. حزب کمونیست کارگری همه مردم بویژه خانواده های دانش آموزان را به حمایت همه جانبه از این اعتراضات فرا میخواند.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ فروردین

۱۴۰۲، ۳۱ مارس ۲۰۲۳

اضافه کاری و حق التدریس معلمان؟ یا از عدم بهره مندی معلمان مظلوم از مفاد قانونی مدیریت خدمات کشوری؟ یا از عدم اعمال فوق العاده خاص برای معلمان با وجود نص صریح قانون مدیریت خدمات کشوری؟ یا از عدم تصویب و اعمال فوق العاده ویژه ۵۰ درصد با توجه بر نص صریح قانون مدیریت خدمات کشوری؟ یا از عدم بهره مندی معلمان از رفاهیات و خدمات رفاهی براساس مفاد قانون مدیریت خدمات کشوری؟ و آیا پرداخت دیرهنگام حقوق اسفندماه در آخرین ساعات پایان سال مصداق توهین و تحقیر نیست؟" گروه پیگیری مطالبات فرهنگیان استان تهران در بیانیه خود خواستار پاسخگویی بی درنگ به مطالبات معلمان شده و تاکید کرده است که مسئولان باید پاسخگویی تبعات بی توجهی به مطالبات معلمان و تحقیر آنان باشند.

خواسته های اعلام شده معلمان در اعتراضاتشان از جمله عبارتند از: اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سبد هزینه که رقمش همین امروز بیش از سی میلیون



معلمان را تحقیرآمیز خوانده و آن را محکوم کرده است. در بخشی از بیانیه این معلمان چنین آمده است: "از کدام برخوردهای توهین آمیزتان با معلمان بگوئیم؟ از همسان سازی حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغلین طبق قانون مصوب و ۹۰ درصد شاغلین؟ از پرداخت حقوق معلم در آخرین ساعات آخرین روز سال و همزمان با شروع تعطیلی پایان سال آن هم به صورت قسطی؟ از اعمال رتبه بندی، حقه بندی، و خلاف قانون و مغایر با نص صریح قانون با آن سازوکار کذابی که باعث اعتراض قریب به اتفاق همه همکاران خصوصاً همکاران با سابقه بالا گردید؟ یا از عدم پرداخت بیش از شش ماه

معلمان استان تهران در اولین روز بازگشایی مدارس برای پیگیری خواسته هایشان و اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات اعلام شده شان، به سه روز دست از کار کشیدن و تحصن در روزهای چهارده تا هفدهم فروردین فراخوان داده اند. بر اساس این فراخوان معلمان در چهاردهم فروردین اعتصاب خواهند داشت و در هفدهم فروردین مقابل آموزش و پرورش تجمع خواهند کرد. این فراخوان از سوی تشکل صنفی معلمان اعلام شده و گروه پیگیری مطالبات فرهنگیان استان تهران در بیانیه ای اقدامات دولت، نمایندگان مجلس و وزیر آموزش و پرورش را به طور خاص در عدم پاسخگویی به مطالبات

۱۲ فروردین رقص مختلط مردم در بسیاری از شهرها

شکلات و شیرینی کردند. محمود هاجریورکه بخاطر این کمک دستگیر شده بود در روز ۱۲ فروردین با قرار وثیقه آزاد شد. آخرین خبر دیدار همبستگی جمعی از معلمان در شهرستان بانه است که شماری از معلمان با خانواده سلیمان عبیدی معلم زندانی دیدار کردند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط وی تاکید کردند. دیدارهای همبستگی شکلی از کارزار مبارزاتی معلمان برای آزادی معلمان و دانشجویان دربند و همه بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی است.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ فروردین

۱۴۰۲، ۳۱ مارس ۲۰۲۳

دلیل عدم رعایت حجاب اجباری پلمپ شده اند. همچنین تعدادی از بیترابی ها و کافی شاپ ها بدلیل روزه خواری تعطیل شده اند. بعلاوه در کاشان مال یکی از بزرگترین مجموعه های تجاری و تفریحی کاشان در روزهای اخیر پلمپ شده است. اما فضای بی حجابی در این شهرها همچنان حاکم است. گزارشات از شهرهای دیگر نیز حاکی از درگیری شدید مردم با نیروهای گشت ارشاد و پلمپ و تذکر و جریمه بخاطر روزه خواری خبر میدهند.

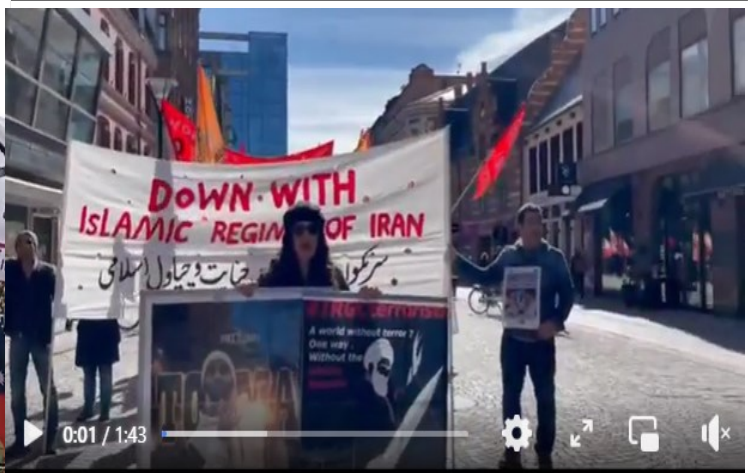
خبر دیگر حاکی از استقبال گرم مردم از صاحب مغازه ای است که از زنان بی حجاب دفاع کرد و عامل حکومتی را از مغازه اش بیرون انداخت گزارش میدهد. طبق گزارشات مشتریان از راه های دور و نزدیک به لبنیاتی هاجریور رفته و مغازه وی را مملو از گل و

دیگری از تقابل گسترده مردم در ادامه انقلاب زن، زندگی، آزادی بود.

در بندر انزلی، جاده ماسوله و رشت مردم معترض با رقص و شادی آمیز به معروف را از محل عمومی سیزده بدر بیرون انداختند. در بانه مزدوران رژیم اقدام به دستگیری چندین جوان موتور سوار کردند. سرکوبگران با شلیک هوایی چند نفر را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

هم اکنون در ادامه انقلاب جدال سختی بر سر حجاب این سنگر حکومت منفور اسلامی در جریان است و در سراسر کشور بسیاری از زنان حجاب را دور انداخته اند. در مقابل حکومت دست به حمله به مردم زده و از جمله بنا بر خبرهای امروز به نقل از دادستان حکومت در کاشان دهها مرکز تفریحی و بیش از ۴۰ کافه و رستوران به

امروز سیزده فروردین در شهرهای مختلف مردم زن و مرد به صورت مختلط سیزده بدر را با رقص و شادی برگزار کردند و سنتها و قوانین حکومت را زیر پا له کردند. مراسم شادی و رقص مختلط مردم در تهران در مناطقی مثل پارک چیتگر و همچنین در مناطقی مثل بانه، رشت، آیدرسنندج، شهرک صدرای شیراز، کرج، مسجد سلیمان، اسکله سر بندر، جاده ماسوله، مشهد، خرم آباد، رشت، بندر انزلی و برخی مناطق دیگر برگزار شد. دیوار های جداسازی جنسیتی را مردم همه جا زیر پا گذاشتند. در برخی شهرها نیروهای سرکوب حکومت و گشت های حجاب و عفافشان تلاش کردند مردم را مورد تعرض قرار دهند، اما مردم مقابل آنها ایستادند و در جاهایی آنها را فراری دادند. بدین ترتیب امروز نیز روز



گزارش تصویری فعالیت حزب در اروپا و کانادا و تصاویر ماندگار

